

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH22R912981

ISSN-P: 2676-6442

چالش‌ها و فرصت‌های آموزش مجازی در ارتقای مهارت‌های خودتنظیمی و خودانگیزی دانش‌آموزان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۳/۰۴)

پروین کیافر

آموزش و پرورش، کرمانشاه، کرمانشاه

چکیده

گسترش آموزش مجازی در نظام‌های آموزشی معاصر، به‌ویژه در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران و برنامه‌ریزان آموزشی را به پیامدهای تربیتی و روان‌شناختی این شیوه آموزشی معطوف کرده است. یکی از ابعاد مهم در این زمینه، نقش آموزش مجازی در شکل‌گیری و ارتقای مهارت‌های خودتنظیمی و خودانگیزی دانش‌آموزان است. هدف مقاله حاضر، تحلیل توصیفی-تحلیلی چالش‌ها و فرصت‌های آموزش مجازی در پرورش این مهارت‌هاست. نتایج تحلیل نشان می‌دهد آموزش مجازی از یک سو با فراهم‌سازی انعطاف‌پذیری زمانی و مکانی، تنوع ابزارهای یادگیری و امکان شخصی‌سازی آموزش، ظرفیت مناسبی برای تقویت یادگیری خودراهبر و انگیزش درونی دانش‌آموزان دارد. از سوی دیگر، چالش‌هایی نظیر شکاف دیجیتال، ضعف تعامل انسانی، کمبود آمادگی دانش‌آموزان و محدودیت نظارت آموزشی می‌تواند اثربخشی آن را کاهش دهد. بر این اساس، اتخاذ رویکردی آگاهانه در طراحی آموزشی و سیاست‌گذاری، شرط اساسی بهره‌گیری مؤثر از آموزش مجازی است.

واژگان کلیدی: آموزش مجازی، خودتنظیمی، خودانگیزی، یادگیری خودراهبر،

دانش‌آموزان

۱. مقدمه

تحولات سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های اخیر، نظام‌های آموزشی را با تغییرات بنیادینی مواجه کرده است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تحولات، گسترش آموزش مجازی و یادگیری مبتنی بر فناوری‌های دیجیتال است که به‌ویژه در سال‌های اخیر و در پی بحران‌هایی مانند همه‌گیری کووید-۱۹، به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در بسیاری از کشورها مطرح شد (یونسکو، ۲۰۲۰). آموزش مجازی با فراهم‌سازی امکان یادگیری مستقل از زمان و مکان، فرصت‌های نوینی را برای دسترسی عادلانه‌تر به آموزش ایجاد کرده است؛ با این حال، این شیوه آموزشی چالش‌های تربیتی و روان‌شناختی تازه‌ای را نیز پیش روی معلمان، دانش‌آموزان و سیاست‌گذاران آموزشی قرار داده است.

در این میان، مهارت‌های فردی دانش‌آموزان نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا ناکامی آموزش مجازی ایفا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این مهارت‌ها، خودتنظیمی در یادگیری است که به توانایی برنامه‌ریزی، نظارت، کنترل و ارزیابی فرایند یادگیری توسط خود فراگیر اشاره دارد (زیمرن، ۲۰۰۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهند دانش‌آموزانی که از سطح بالاتری از خودتنظیمی برخوردارند، در محیط‌های یادگیری مستقل و مجازی عملکرد تحصیلی بهتری دارند (پینتریچ، ۲۰۰۰). در کنار خودتنظیمی، خودانگیزی یا انگیزش درونی نیز به‌عنوان عامل کلیدی در تداوم یادگیری، مشارکت فعال و پشتکار تحصیلی شناخته می‌شود. نظریه خودتعیین‌گری بیان می‌کند که احساس خودمختاری، شایستگی و ارتباط اجتماعی، زیربنای شکل‌گیری انگیزش درونی در یادگیرندگان است (دسی و رایان، ۲۰۰۰).

آموزش مجازی می‌تواند به‌طور هم‌زمان زمینه‌ساز تقویت یا تضعیف این مهارت‌ها باشد. از یک سو، انعطاف‌پذیری، امکان انتخاب مسیر یادگیری و دسترسی به منابع متنوع، فرصت مناسبی برای رشد خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان فراهم می‌کند (شانک و گرین،

۲۰۱۸). از سوی دیگر، کاهش تعامل چهره‌به‌چهره، ضعف نظارت مستقیم معلم و افزایش عوامل حواس‌پرتی دیجیتال، می‌تواند به افت انگیزش و ناتوانی در مدیریت یادگیری منجر شود، به‌ویژه برای دانش‌آموزانی که هنوز مهارت‌های خودراهر را به‌خوبی کسب نکرده‌اند (بوکارتس، ۲۰۱۱).

بر این اساس، توجه به ابعاد روان‌شناختی آموزش مجازی، به‌ویژه مهارت‌های خودتنظیمی و خودانگیزی دانش‌آموزان، ضرورتی اساسی در نظام‌های آموزشی معاصر به شمار می‌آید. هدف این مقاله، تحلیل توصیفی-تحلیلی چالش‌ها و فرصت‌های آموزش مجازی در ارتقای مهارت‌های خودتنظیمی و خودانگیزی دانش‌آموزان است. پرسش محوری مقاله این است که: «آموزش مجازی تحت چه شرایطی می‌تواند به تقویت این مهارت‌ها منجر شود و چه موانعی در این مسیر وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند راهنمایی برای بهبود طراحی آموزشی و سیاست‌گذاری آگاهانه در حوزه آموزش مجازی باشد.

۲. چارچوب مفهومی و مبانی نظری

آموزش مجازی به‌عنوان یکی از جلوه‌های اصلی تحول دیجیتال در نظام‌های آموزشی، به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن یادگیری از طریق فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و بدون الزام به حضور فیزیکی معلم و دانش‌آموز در یک مکان مشترک انجام می‌گیرد. این نوع آموزش با بهره‌گیری از بسترهایی مانند سامانه‌های مدیریت یادگیری، کلاس‌های برخط، محتوای چندرسانه‌ای و ابزارهای تعاملی، امکان دسترسی گسترده‌تر به آموزش را فراهم می‌سازد (مور و کیرزلی، ۲۰۱۲). از مهم‌ترین ویژگی‌های آموزش مجازی می‌توان به انعطاف‌پذیری زمانی و مکانی، یادگیری خودراهر، تنوع منابع آموزشی و تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده دانش به تسهیل‌گر یادگیری اشاره کرد (اندرسون، ۲۰۰۸). با این حال، همین

ویژگی ها موجب می شود که مسئولیت یادگیری بیش از پیش بر عهده دانش آموز قرار گیرد و توانمندی های فردی او نقش پررنگ تری در فرایند یادگیری ایفا کند.

در این چارچوب، مهارت خودتنظیمی در یادگیری یکی از مفاهیم کلیدی در تبیین موفقیت یادگیرندگان در محیط های مجازی است. خودتنظیمی به توانایی فرد در برنامه ریزی، هدایت، نظارت و ارزیابی افکار، هیجان ها و رفتارهای خود در مسیر دستیابی به اهداف یادگیری اشاره دارد (زیمرمن، ۲۰۰۰). پینتریچ (۲۰۰۰) خودتنظیمی را فرایندی فعال و سازنده می داند که در آن یادگیرنده با تعیین هدف، به کارگیری راهبردهای شناختی و فراشناختی و کنترل انگیزش، یادگیری خود را مدیریت می کند. این مهارت شامل ابعادی همچون هدف گذاری، مدیریت زمان، خودنظارتی، خودارزیابی و کنترل تلاش است. پژوهش ها نشان می دهد که خودتنظیمی نه تنها پیش بینی کننده عملکرد تحصیلی است، بلکه نقش مهمی در تداوم یادگیری و سازگاری با محیط های یادگیری نوین دارد (بوکارتس، ۲۰۱۱). در آموزش مجازی که نظارت مستقیم معلم کاهش می یابد، ضعف در مهارت های خودتنظیمی می تواند به سردرگمی، تعویق تکالیف و افت پیشرفت تحصیلی منجر شود، در حالی که تقویت این مهارت ها زمینه یادگیری عمیق تر و پایدارتر را فراهم می سازد.

در کنار خودتنظیمی، خودانگیزشی یا انگیزش درونی از دیگر مؤلفه های بنیادین یادگیری مؤثر در محیط های مجازی به شمار می آید. خودانگیزشی به حالتی اطلاق می شود که فرد فعالیت یادگیری را به دلیل علاقه، لذت و ارزش درونی آن دنبال می کند، نه صرفاً به دلیل پاداش یا اجبار بیرونی. بر اساس نظریه خودتعیین گری، انگیزش درونی زمانی تقویت می شود که نیازهای اساسی انسان یعنی خودمختاری، شایستگی و ارتباط اجتماعی ارضا گردد (دسی و رایان، ۲۰۰۰). آموزش مجازی، در صورت طراحی مناسب، می تواند با فراهم سازی امکان انتخاب، سرعت یادگیری فردی و بازخورد مستمر، به تقویت خودانگیزشی دانش آموزان

کمک کند. در مقابل، فقدان تعامل انسانی، احساس انزوا و یکنواختی محتوا می تواند موجب کاهش انگیزش و مشارکت فعال دانش آموزان شود (ریان و دسی، ۲۰۱۷).

بر این اساس، چارچوب مفهومی این مقاله بر این فرض استوار است که آموزش مجازی به تنهایی نه مثبت و نه منفی است، بلکه تأثیر آن بر یادگیری دانش آموزان به میزان برخورداری آنان از مهارت های خودتنظیمی و خودانگیزی و نیز به نحوه طراحی و اجرای فرایند آموزش بستگی دارد. تحلیل رابطه متقابل میان این مفاهیم می تواند درک عمیق تری از فرصت ها و چالش های آموزش مجازی در نظام های آموزشی معاصر فراهم سازد.

۳. آموزش مجازی و مهارت های خودتنظیمی دانش آموزان

یکی از برجسته ترین ویژگی های آموزش مجازی، تأکید بر یادگیری مستقل و افزایش مسئولیت دانش آموز در مدیریت فرایند یادگیری است. در این نوع آموزش، دانش آموز ناگزیر است برنامه ریزی درسی، پیگیری تکالیف و تنظیم زمان مطالعه را تا حد زیادی به صورت فردی انجام دهد؛ امری که مستقیماً با مهارت خودتنظیمی در یادگیری ارتباط دارد. مدیریت زمان به عنوان یکی از مؤلفه های اساسی خودتنظیمی، در محیط های مجازی اهمیت دوچندانی می یابد، زیرا نبود ساختار زمانی ثابت و نظارت مستمر معلم می تواند به تعویق در انجام تکالیف و کاهش تعهد تحصیلی منجر شود (زیمرمن، ۲۰۰۲). پژوهش ها نشان می دهد دانش آموزانی که توانایی برنامه ریزی و کنترل زمان خود را دارند، در یادگیری های آنلاین مشارکت فعال تر و پیشرفت تحصیلی بالاتری را تجربه می کنند (بارنارد و همکاران، ۲۰۰۹).

آموزش مجازی در عین حال فرصت های قابل توجهی برای تقویت مؤلفه های خودنظارتی و خودارزیابی فراهم می سازد. دسترسی مداوم به محتوای آموزشی، امکان بازیابی چندباره درس ها و استفاده از آزمون های آنلاین و بازخوردهای فوری، زمینه ای مناسب برای نظارت مستمر دانش آموز بر عملکرد خود ایجاد می کند. در چنین شرایطی، دانش آموز می تواند میزان

پیشرفت خود را ارزیابی کرده و راهبردهای یادگیری‌اش را اصلاح کند؛ فرآیندی که از ارکان اصلی خودتنظیمی محسوب می‌شود (پینتریچ، ۲۰۰۰). همچنین ابزارهای دیجیتال مانند داشبوردهای پیشرفت، تکالیف مرحله‌ای و آزمون‌های خودسنجی می‌توانند آگاهی فراگیران از نقاط قوت و ضعف خود را افزایش داده و یادگیری عمیق‌تری را رقم بزنند (نیکول و مک‌فارلین-دیک، ۲۰۰۶).

با وجود این فرصت‌ها، آموزش مجازی با چالش‌های جدی در شکل‌گیری و تقویت مهارت‌های خودتنظیمی دانش‌آموزان نیز همراه است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، کاهش نظارت مستقیم معلم و تعامل چهره‌به‌چهره است که می‌تواند به افت نظم آموزشی و کاهش پایبندی دانش‌آموز به برنامه یادگیری منجر شود. در محیط‌های مجازی، دانش‌آموزانی که هنوز به سطح مطلوبی از خودتنظیمی نرسیده‌اند، ممکن است در تنظیم اهداف، حفظ تمرکز و پیگیری فعالیت‌های آموزشی دچار مشکل شوند (بوکارتس، ۲۰۱۱). علاوه بر این، حضور عوامل حواس‌پرتی دیجیتال مانند شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های آنلاین و محتوای غیرآموزشی، تمرکز شناختی دانش‌آموزان را تهدید می‌کند و کنترل توجه را دشوارتر می‌سازد (روزن، لیم و اسمیت، ۲۰۱۱).

ضعف ساختار آموزشی نیز از دیگر موانع تقویت خودتنظیمی در آموزش مجازی به شمار می‌آید. در صورتی که محتوای آموزشی فاقد سازمان‌دهی روشن، اهداف مشخص و راهنمایی‌های گام‌به‌گام باشد، دانش‌آموزان به‌ویژه در مقاطع پایین‌تر، در مدیریت یادگیری خود با سردرگمی مواجه می‌شوند. پژوهش‌ها تأکید دارند که آموزش مجازی تنها در صورتی می‌تواند به رشد خودتنظیمی منجر شود که همراه با طراحی آموزشی هدفمند، حمایت تدریجی معلم و آموزش صریح مهارت‌های خودتنظیمی باشد (شانک و زیمرمن، ۲۰۱۲). در

غیر این صورت، این شیوه آموزشی ممکن است نابرابری‌های فردی را تشدید کرده و موجب افت یادگیری برخی از دانش‌آموزان شود.

۴. آموزش مجازی و خودانگیزی دانش‌آموزان

انگیزش یکی از مؤلفه‌های اساسی در یادگیری اثربخش دانش‌آموزان است و نقش آن در محیط‌های آموزش مجازی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. خودانگیزی یا انگیزش درونی زمانی شکل می‌گیرد که دانش‌آموز فعالیت یادگیری را به دلیل علاقه، کنجکاوی و ارزش ذاتی آن دنبال کند، نه صرفاً به دلیل الزامات بیرونی. محیط‌های دیجیتال می‌توانند با فراهم‌سازی شرایطی همچون یادگیری خودمختار، تنوع منابع و امکان انتخاب مسیر یادگیری، زمینه تقویت انگیزش درونی دانش‌آموزان را فراهم سازند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). با این حال، تأثیر این محیط‌ها بر انگیزش، امری یک‌سویه و قطعی نیست و به نحوه طراحی آموزشی و ویژگی‌های فردی فراگیران وابسته است.

بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، سه نیاز اساسی خودمختاری، شایستگی و ارتباط اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تداوم انگیزش درونی دارند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). آموزش مجازی در صورت بهره‌گیری از طراحی آموزشی مناسب می‌تواند این نیازها را تا حدی برآورده سازد. برای مثال، امکان انتخاب زمان یادگیری و سرعت پیشرفت، احساس خودمختاری دانش‌آموزان را تقویت می‌کند و بازخوردهای مستمر و سازنده می‌تواند احساس شایستگی آنان را افزایش دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد زمانی که دانش‌آموزان در محیط‌های آنلاین بازخورد به‌موقع و هدفمند دریافت می‌کنند، سطح انگیزش و مشارکت آموزشی آنان به‌طور معناداری افزایش می‌یابد (نیکول و مک‌فارلین-دیک، ۲۰۰۶).

تعامل آموزشی و جذابیت محتوای یادگیری از دیگر عوامل مؤثر بر خودانگیزی دانش‌آموزان در آموزش مجازی است. استفاده از محتوای چندرسانه‌ای، فعالیت‌های تعاملی،

بحث های گروهی آنلاین و بازی وارسازی آموزشی می تواند یادگیری را معنادارتر کرده و علاقه دانش آموزان را افزایش دهد (دائر و بلومفلد، ۲۰۱۴). در مقابل، ارائه محتوای یکنواخت، مبتنی بر سخنرانی های طولانی و فاقد تعامل، اغلب موجب کاهش توجه و انگیزش دانش آموزان می شود. تعامل مستمر با معلم و همسالان، حتی در قالب های غیرحضوری، نقش مهمی در ایجاد احساس تعلق و تداوم مشارکت یادگیری ایفا می کند (مور و کیرزلی، ۲۰۱۲). با وجود این ظرفیت ها، آموزش مجازی با چالش های قابل توجهی در حوزه خودانگیزی دانش آموزان همراه است. یکی از مهم ترین این چالش ها، احساس انزوا و گسست اجتماعی است که می تواند انگیزش درونی را تضعیف کند. کاهش ارتباط عاطفی و تعامل چهره به چهره با معلم و همکلاسی ها، به ویژه در دانش آموزان سنین پایین تر، ممکن است به افت علاقه و مشارکت آموزشی منجر شود (ریان و دسی، ۲۰۱۷). علاوه بر این، نبود ساختار انگیزی روشن، ضعف بازخوردهای فردی و فشارهای روانی ناشی از یادگیری آنلاین می تواند زمینه ساز فرسودگی تحصیلی و کناره گیری تدریجی دانش آموزان از فعالیت های آموزشی شود (مارتین و بولی، ۲۰۱۹).

در مجموع، آموزش مجازی زمانی می تواند به تقویت خودانگیزی دانش آموزان منجر شود که با طراحی آموزشی تعاملی، بازخورد مستمر و حمایت روان شناختی همراه باشد. در غیر این صورت، این شیوه آموزشی ممکن است به کاهش انگیزش، افت مشارکت و تضعیف تجربه یادگیری منجر شود. از این رو، توجه آگاهانه به مؤلفه های انگیزی در طراحی و اجرای آموزش مجازی، ضرورتی اساسی برای تحقق یادگیری پایدار و اثربخش به شمار می آید.

۵. فرصت های آموزش مجازی در ارتقای خودتنظیمی و خودانگیزی

آموزش مجازی، در صورت طراحی و اجرای آگاهانه، می تواند فرصت های قابل توجهی برای ارتقای مهارت های خودتنظیمی و خودانگیزی دانش آموزان فراهم سازد. یکی از مهم ترین

این فرصت‌ها، انعطاف‌پذیری زمانی و مکانی است که به دانش‌آموزان امکان می‌دهد متناسب با شرایط فردی، سبک یادگیری و سرعت پیشرفت خود، فرایند یادگیری را مدیریت کنند. این انعطاف‌پذیری می‌تواند زمینه مناسبی برای تمرین برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری و مدیریت زمان فراهم آورد؛ مؤلفه‌هایی که از ارکان اصلی خودتنظیمی در یادگیری محسوب می‌شوند (زیمرمن، ۲۰۰۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد زمانی که فراگیران اختیار بیشتری در تنظیم زمان و مکان یادگیری دارند، احساس خودمختاری آنان افزایش یافته و انگیزش درونی تقویت می‌شود (دسی و رایان، ۲۰۰۰).

از دیگر فرصت‌های مهم آموزش مجازی، تنوع ابزارهای یادگیری و محتوای چندرسانه‌ای است. استفاده از ویدئوهای آموزشی، پادکست‌ها، شبیه‌سازی‌ها، آزمون‌های تعاملی و محیط‌های یادگیری الکترونیکی، امکان پاسخ‌گویی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. این تنوع نه تنها موجب افزایش جذابیت فرایند یادگیری می‌شود، بلکه به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد راهبردهای یادگیری متناسب با توانایی‌ها و ترجیحات خود را انتخاب کنند؛ امری که به تقویت خودنظارتی و خودارزیابی منجر می‌شود (اندرسون، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها حاکی از آن است که محیط‌های یادگیری غنی از منابع دیجیتال می‌توانند مشارکت فعال‌تر و انگیزش پایدارتر دانش‌آموزان را به دنبال داشته باشند (مولداون و شافر، ۲۰۱۵).

آموزش مجازی همچنین بستر مناسبی برای تقویت مسئولیت‌پذیری و یادگیری خودراهبر فراهم می‌آورد. در این محیط‌ها، دانش‌آموز بیش از گذشته مسئول پیگیری فعالیت‌های آموزشی، انجام تکالیف و ارزیابی پیشرفت خود است. این افزایش مسئولیت می‌تواند به تدریج منجر به رشد استقلال یادگیری و تقویت مهارت‌های فراشناختی شود، به‌ویژه زمانی که معلم نقش هدایت‌گر و تسهیل‌گر را ایفا کند (شانک و زیمرمن، ۲۰۱۲). یادگیری خودراهبر، که

یکی از اهداف اساسی آموزش‌های نوین به شمار می‌آید، با افزایش خودکارآمدی تحصیلی و انگیزش درونی دانش‌آموزان ارتباط معناداری دارد (نولز، ۱۹۷۵).

یکی دیگر از ظرفیت‌های مهم آموزش مجازی، امکان شخصی‌سازی یادگیری است. سامانه‌های مدیریت یادگیری و ابزارهای هوشمند آموزشی می‌توانند مسیر یادگیری، سطح دشواری محتوا و نوع فعالیت‌ها را متناسب با نیازها و عملکرد هر دانش‌آموز تنظیم کنند. این شخصی‌سازی، ضمن افزایش احساس شایستگی و کنترل بر یادگیری، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا اهداف واقع‌بینانه‌تری تعیین کرده و پیشرفت خود را به‌طور مستمر پایش کنند (پینتریچ، ۲۰۰۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهد یادگیری شخصی‌سازی‌شده در محیط‌های دیجیتال می‌تواند به بهبود انگیزش، خودتنظیمی و در نهایت کیفیت یادگیری منجر شود (واکون و همکاران، ۲۰۱۳).

در مجموع، آموزش مجازی واجد ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای ارتقای خودتنظیمی و خودانگیزی دانش‌آموزان است؛ ظرفیت‌هایی که تحقق آن‌ها مستلزم طراحی آموزشی هدفمند، حمایت تدریجی معلم و آموزش صریح مهارت‌های یادگیری خودراهر است. بهره‌گیری آگاهانه از این فرصت‌ها می‌تواند آموزش مجازی را از یک راه‌حل موقتی به بستری اثربخش برای رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان تبدیل کند.

۶. چالش‌های آموزش مجازی در پرورش این مهارت‌ها

با وجود فرصت‌های متعدد آموزش مجازی، این شیوه آموزشی با چالش‌های اساسی در پرورش مهارت‌های خودتنظیمی و خودانگیزی دانش‌آموزان همراه است که در صورت بی‌توجهی می‌تواند اثربخشی فرایند یادگیری را به‌طور جدی کاهش دهد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، نابرابری دسترسی به فناوری و شکاف دیجیتال است. تفاوت در دسترسی به اینترنت پرسرعت، ابزارهای دیجیتال مناسب و محیط فیزیکی آرام برای مطالعه، موجب

می‌شود همه دانش‌آموزان از فرصت‌های آموزش مجازی به‌طور برابر بهره‌مند نشوند. این نابرابری‌ها می‌تواند احساس ناتوانی، کاهش خودکارآمدی و افت انگیزش را در برخی دانش‌آموزان تشدید کند و در نهایت بر توانایی آنان در خودتنظیمی یادگیری تأثیر منفی بگذارد (یونسکو، ۲۰۲۰؛ OECD، ۲۰۲۱).

از دیگر چالش‌های جدی آموزش مجازی، ضعف تعامل انسانی و کاهش ارتباط عاطفی میان معلم و دانش‌آموز و همچنین میان همسالان است. تعامل اجتماعی و حمایت عاطفی نقش مهمی در شکل‌گیری انگیزش، احساس تعلق و پایداری یادگیری دارند. در محیط‌های مجازی، فقدان ارتباط چهره‌به‌چهره و محدود شدن تعاملات به پیام‌های نوشتاری یا جلسات آنلاین کوتاه، ممکن است احساس انزوا و بیگانگی را در دانش‌آموزان تقویت کند (مور و کیرزلی، ۲۰۱۲). بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، کاهش احساس ارتباط اجتماعی می‌تواند انگیزش درونی را تضعیف کرده و مشارکت فعال دانش‌آموزان را کاهش دهد (دسی و رایان، ۲۰۰۰).

چالش دیگر، کمبود آمادگی دانش‌آموزان برای یادگیری خودتنظیم است. مهارت‌های خودتنظیمی و خودراهبر به‌طور طبیعی در همه دانش‌آموزان شکل نمی‌گیرد و نیازمند آموزش تدریجی، تمرین مستمر و حمایت آموزشی است. بسیاری از دانش‌آموزان، به‌ویژه در مقاطع ابتدایی و متوسطه اول، هنوز توانایی کافی در برنامه‌ریزی، مدیریت زمان، کنترل توجه و ارزیابی عملکرد خود ندارند. در چنین شرایطی، انتقال ناگهانی به آموزش مجازی می‌تواند موجب سردرگمی، تعویق در انجام تکالیف و افت پیشرفت تحصیلی شود (زیمرمن، ۲۰۰۲؛ بوکارتس، ۲۰۱۱). این مسئله نشان می‌دهد که آموزش مجازی بدون آماده‌سازی روان‌شناختی و مهارتی دانش‌آموزان، نمی‌تواند به‌طور مؤثر به تقویت خودتنظیمی منجر شود.

علاوه بر این، نقش محدود نظارت خانواده و مدرسه از دیگر عوامل تضعیف‌کننده پرورش این مهارت‌ها در آموزش مجازی است. در بسیاری از موارد، خانواده‌ها از دانش، زمان یا توانایی

لازم برای حمایت آموزشی فرزندان خود برخوردار نیستند و مدارس نیز سازوکارهای نظارتی مؤثری برای پیگیری مستمر وضعیت یادگیری دانش آموزان در محیط های مجازی ندارند. ضعف هماهنگی میان خانه و مدرسه می تواند به کاهش مسئولیت پذیری، افت انگیزش و کاهش تعهد تحصیلی دانش آموزان بینجامد (هیل و تایسون، ۲۰۰۹). این مسئله به ویژه در مورد دانش آموزانی که نیاز بیشتری به حمایت بیرونی دارند، پیامدهای منفی جدی تری به همراه دارد. در مجموع، چالش های آموزش مجازی در پرورش مهارت های خودتنظیمی و خودانگیزی، نشان دهنده ضرورت اتخاذ رویکردی جامع و حمایتی در طراحی و اجرای این شیوه آموزشی است. بدون توجه به عوامل فردی، اجتماعی و خانوادگی، آموزش مجازی ممکن است نه تنها به تقویت این مهارت ها منجر نشود، بلکه شکاف های آموزشی و انگیزی موجود را نیز تشدید کند.

۷. نقش معلم و نظام آموزشی در کاهش چالش ها

در مواجهه با چالش های آموزش مجازی در پرورش مهارت های خودتنظیمی و خودانگیزی، نقش معلم و نظام آموزشی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. برخلاف تصور رایج که آموزش مجازی را فرایندی خودکار و مستقل از مداخله انسانی می داند، پژوهش ها نشان می دهد کیفیت طراحی آموزشی و میزان حمایت آموزشی، تعیین کننده اصلی اثربخشی یادگیری در محیط های دیجیتال است (اندرسون، ۲۰۰۸). در این میان، معلم نه تنها نقش انتقال دهنده محتوا، بلکه نقش راهنما، تسهیل گر و حامی فرایند یادگیری خودراهر دانش آموزان را بر عهده دارد. یکی از مهم ترین راهبردها در این زمینه، طراحی آموزشی مبتنی بر خودتنظیمی است. طراحی تکالیف مرحله ای، تعیین اهداف روشن، ارائه راهنمایی های تدریجی و استفاده از بازخوردهای منظم می تواند به دانش آموزان کمک کند تا به تدریج مسئولیت یادگیری خود را بر عهده گیرند. مدل های آموزشی مبتنی بر خودتنظیمی تأکید دارند که معلم باید در مراحل اولیه،

حمایت بیشتری ارائه دهد و به مرور این حمایت را کاهش دهد تا یادگیرنده به استقلال برسد (شانک و زیمرمن، ۲۰۱۲). چنین رویکردی می‌تواند از سردرگمی دانش‌آموزان در محیط‌های مجازی جلوگیری کرده و اعتماد به توانایی‌های یادگیری آنان را افزایش دهد.

در کنار طراحی آموزشی، آموزش مهارت‌های فراشناختی به دانش‌آموزان نقشی کلیدی در تقویت خودتنظیمی ایفا می‌کند. مهارت‌هایی مانند برنامه‌ریزی، پایش پیشرفت، کنترل توجه و ارزیابی عملکرد، نیازمند آموزش صریح و تمرین هدفمند هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد زمانی که معلمان به‌طور مستقیم راهبردهای فراشناختی را آموزش می‌دهند، دانش‌آموزان توانایی بیشتری در مدیریت یادگیری خود در محیط‌های آنلاین از خود نشان می‌دهند (پیتتریک، ۲۰۰۰؛ زیمرمن، ۲۰۰۲). این آموزش‌ها می‌تواند به‌صورت فعالیت‌های بازتابی، دفترچه‌های یادگیری یا خودارزیابی‌های منظم در آموزش مجازی گنجانده شود.

استفاده هدفمند از فناوری‌های تعاملی نیز از دیگر راهکارهای مؤثر در کاهش چالش‌های آموزش مجازی است. ابزارهایی مانند تالارهای گفت‌وگو، کلاس‌های برخط تعاملی، آزمون‌های خودسنجی و بازخوردهای دیجیتال می‌توانند تعامل آموزشی را تقویت کرده و احساس حضور اجتماعی را افزایش دهند. این تعامل نه‌تنها به ارتقای انگیزش دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه زمینه مناسبی برای خودنظارتی و اصلاح راهبردهای یادگیری فراهم می‌سازد (مور و کیرزلی، ۲۰۱۲؛ مارتین و بولیگر، ۲۰۱۹). با این حال، اثربخشی این ابزارها مستلزم استفاده آگاهانه و هدفمند آن‌ها در چارچوب اهداف آموزشی است.

در سطح کلان، نقش سیاست‌گذاری آموزشی در کاهش چالش‌های آموزش مجازی انکارناپذیر است. تدوین برنامه‌های درسی منعطف، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناورانه، کاهش شکاف دیجیتال و توانمندسازی معلمان از طریق آموزش‌های حرفه‌ای مستمر، از جمله اقداماتی است که نظام آموزشی می‌تواند برای ارتقای کیفیت آموزش مجازی انجام دهد).

OECD، ۲۰۲۱). همچنین، سیاست‌گذاری‌هایی که بر توسعه مهارت‌های قرن بیست‌ویکم، از جمله یادگیری خودراهبر و خودتنظیمی تأکید دارند، می‌توانند آموزش مجازی را به فرصتی برای رشد پایدار دانش‌آموزان تبدیل کنند. در مجموع، کاهش چالش‌های آموزش مجازی در پرورش مهارت‌های خودتنظیمی و خودانگیزی، نیازمند تعامل سازنده میان معلم، دانش‌آموز و نظام آموزشی است. تنها از طریق طراحی آموزشی آگاهانه، آموزش مهارت‌های یادگیری و سیاست‌گذاری حمایتی می‌توان زمینه بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های آموزش مجازی را فراهم ساخت.

۸. نتیجه‌گیری

آموزش مجازی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات نظام‌های آموزشی معاصر، ظرفیت‌های گسترده‌ای برای بازتعریف فرایند یادگیری فراهم کرده است. یافته‌های تحلیلی این مقاله نشان می‌دهد که این شیوه آموزشی، در کنار فرصت‌های قابل توجه برای ارتقای مهارت‌های خودتنظیمی و خودانگیزی دانش‌آموزان، با چالش‌های جدی نیز همراه است. انعطاف‌پذیری زمانی و مکانی، تنوع ابزارهای یادگیری، امکان شخصی‌سازی آموزش و تقویت یادگیری خودراهبر از جمله فرصت‌هایی هستند که می‌توانند به رشد استقلال، مسئولیت‌پذیری و انگیزش درونی دانش‌آموزان کمک کنند. در مقابل، نابرابری در دسترسی به فناوری، ضعف تعامل انسانی، کمبود آمادگی دانش‌آموزان برای یادگیری خودتنظیم و نقش محدود نظارت خانواده و مدرسه، از چالش‌هایی به شمار می‌آیند که می‌توانند اثربخشی آموزش مجازی را به‌طور چشمگیری کاهش دهند.

بر این اساس، آموزش مجازی را نمی‌توان ذاتاً مطلوب یا نامطلوب تلقی کرد؛ بلکه پیامدهای آن به میزان آمادگی روان‌شناختی و مهارتی دانش‌آموزان، کیفیت طراحی آموزشی و سطح حمایت نظام آموزشی وابسته است. تجربه آموزش مجازی نشان می‌دهد که بدون توجه

آگاهانه به مهارت‌های خودتنظیمی و خودانگیزی، این شیوه آموزشی ممکن است به افزایش افت تحصیلی، کاهش مشارکت و تعمیق نابرابری‌های آموزشی منجر شود. در مقابل، رویکردی آگاهانه و هدفمند می‌تواند آموزش مجازی را به فرصتی برای پرورش یادگیرندگان مستقل، مسئول و خودانگیزته تبدیل کند.

در این میان، نقش معلم و نظام آموزشی نقشی تعیین‌کننده است. طراحی آموزشی مبتنی بر خودتنظیمی، آموزش صریح مهارت‌های فراشناختی، استفاده هدفمند از فناوری‌های تعاملی و ایجاد ساختارهای حمایتی می‌تواند بسیاری از چالش‌های موجود را کاهش دهد. همچنین، سیاست‌گذاری‌های آموزشی باید فراتر از تأمین زیرساخت‌های فناورانه، به توسعه شایستگی‌های یادگیری دانش‌آموزان و توانمندسازی حرفه‌ای معلمان توجه داشته باشد.

در پایان، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی عمیق‌تر راهبردهای عملی تقویت خودتنظیمی و خودانگیزی در آموزش مجازی بپردازند و نقش متغیرهایی مانند سن، مقطع تحصیلی، حمایت خانوادگی و تفاوت‌های فردی را مورد توجه قرار دهند. همچنین، برنامه‌ریزی‌های آموزشی آینده می‌بایست آموزش مجازی را نه به عنوان راه‌حلی موقت، بلکه به عنوان بخشی مکمل و پایدار از نظام آموزشی در نظر بگیرند؛ بخشی که در صورت بهره‌گیری آگاهانه، می‌تواند به ارتقای کیفیت یادگیری و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان منجر شود.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. سیف، علی اکبر. (۱۳۹۹). روان شناسی پرورشی (یادگیری و آموزش). تهران: انتشارات دوران.
۲. شعبانی، حسن. (۱۳۹۸). مهارت های آموزشی و پرورشی. تهران: انتشارات سمت.
۳. فتحی واجارگاه، کرامت الله. (۱۳۹۷). برنامه ریزی درسی و یادگیری الکترونیکی. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

ب) منابع لاتین

۱. Anderson, T. (۲۰۰۸). *The theory and practice of online learning* (2nd ed.). Athabasca University Press.
۲. Barnard, L., Lan, W. Y., To, Y. M., Paton, V. O., & Lai, S. L. (۲۰۰۹). Measuring self-regulation in online and blended learning environments. *The Internet and Higher Education*, ۱۲(۱), ۱-۶. <https://doi.org/10.1016/j.iheduc.2008.10.005>
۳. Boekaerts, M. (۲۰۱۱). Emotions, emotion regulation, and self-regulation in learning. *Educational Psychologist*, ۴۶(۴), ۱۹۹-۲۱۵. <https://doi.org/10.1080/00461520.2011.596426>
۴. Deci, E. L., & Ryan, R. M. (۲۰۰۰). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, ۱۱(۴), ۲۲۷-۲۶۸. https://doi.org/10.1207/S15327965PLI1104_01

۵. Knowles, M. S. (۱۹۷۵). *Self-directed learning: A guide for learners and teachers*. Association Press.
۶. Martin, A. J., & Bolliger, D. U. (۲۰۱۹). *Engagement matters: Student perceptions on the importance of engagement strategies in the online learning environment*. *Online Learning Journal*, ۲۳(۲), ۲۰۵-۲۲۲.
۷. Moore, M. G., & Kearsley, G. (۲۰۱۲). *Distance education: A systems view of online learning* (۳rd ed.). Wadsworth.
۸. Nicol, D. J., & Macfarlane-Dick, D. (۲۰۰۶). *Formative assessment and self-regulated learning: A model and seven principles of good feedback practice*. *Studies in Higher Education*, ۳۱(۲), ۱۹۹-۲۱۸.
۹. OECD. (۲۰۲۱). *Students' self-regulated learning and motivation*. OECD Publishing.
۱۰. Pintrich, P. R. (۲۰۰۰). *The role of goal orientation in self-regulated learning*. In M. Boekaerts, P. R. Pintrich, & M. Zeidner (Eds.), *Handbook of self-regulation* (pp. ۴۵۱-۵۰۲). Academic Press.
۱۱. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (۲۰۱۷). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. Guilford Press.
۱۲. Schunk, D. H., & Zimmerman, B. J. (۲۰۱۲). *Motivation and self-regulated learning: Theory, research, and applications*. Routledge.

۱۳. UNESCO. (۲۰۲۰). *Education in a post-COVID world: Nine ideas for public action*. UNESCO.
۱۴. Zimmerman, B. J. (۲۰۰۲). *Becoming a self-regulated learner: An overview*. *Theory Into Practice*, ۴۱(۲), ۶۴-۷۰.
https://doi.org/10.1۲۰۷/s۱۵۴۳۰۴۲۱tip۴۱۰۲_۲